

# ملقبه عیوب غیرملقبه

## چکیده

در شماره ۸۶ مجله آموزش زبان و ادب فارسی، صص ۲۰-۲۳ مقاله‌ای با عنوان عیوب ملقبه و غیرملقبه در قافیه از غلامرضا هاتفی درج گردیده بود. مقاله حاضر، نقدی است بر آن مقاله.

## کلیدواژه‌ها:

قافیه، عیوب ملقبه، عیوب غیر ملقبه

## مثال:

کز اندازه بگذشت ما را سَخُن  
چه افکند باید بدین کار بُن  
یا مثال سوم ایشان:  
«برآمیخت رهام گرز گران  
غمی شد ز پیکار دست سران»

(شاهنامه ص ۴۶۴)

واژه‌های «گران و سران» به «ان» ختم شده‌اند که «ان» در واژه «گران» جزء خودواژه است ولی «ان» در «سران»، نشانه جمع است و بنا بر تبصره ۴ در قافیه هیچ ایرادی وجود ندارد. مثال چهارم ایشان شعری است از «مخفی» که در آن واژه‌های «چمن، برهمن، سَخُن» قافیه‌اند؛ تلفظ سَخُن در این دوره به همین شکل صحیح است و ایرادی در قافیه‌ها دیده نمی‌شود. بلبل از گل بگذرد چون در چمن بیند مرا  
بت‌پرستی کی کند گر برهمن بیند مرا  
در سخن مخفی شدم مانند بو در برگ گل  
هر که خواهد دیدنم، گو در سخن بیند مرا  
مثال پنجم که دو واژه «سَفَر و سِپَر» هم‌قافیه‌اند، قاعده دوم قافیه است و قافیه به حروف «ر» ختم می‌شود و هیچ ایرادی ندارد. جانان من برخیز و آهنگ سَفَر کن  
گر تیغ بارد از فضا جان را سِپَر کن  
در مثال ششم واژه «کَش» با «خُوش» هم‌قافیه شده است. هر دو واژه به «ش» ختم می‌شوند و ایرادی در قافیه وجود ندارد. ذکر این نکته ضروری است که تلفظ قدیمی، شکل «خُوش» بوده است که امروزه نیز در برخی لهجه‌ها دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که نویسنده محترم از یک نکته اساسی غافل مانده و آن نکته این است که عیب قافیه زمانی است که در

نویسنده محترم در مقاله موردنظر به عیوب قافیه اشاره داشته‌اند؛ از جمله عیب اقواء و مثال‌هایی را ذکر نموده‌اند که برخی از آن‌ها مغایر با عیوب قافیه است. به عبارت دیگر، برخی از مثال‌ها عیوب قافیه نیستند. برای نمونه اولین مثال ایشان از عیب اقوا این است:

مگر کان دل‌اور گو سالخورَد  
شود کشته بر دست این شیرمرد  
که واژه‌های «خورَد و مُرد» جزء قاعده دوم قافیه است و حروف قافیه در آن «رَد» است. نویسنده محترم مقاله احتمالاً تلفظ امروزی کلمات را ملاک قرار داده‌اند (خورَد) و این اشتباه رخ داده است.

یا در مثال دوم:

بگیر و ببر زنده بر دار کُن  
وزو نیز با من مگردان سَخُن  
که واژه‌های «کُن و سَخُن» به «ن» ختم می‌شوند که جزء قاعده دوم قافیه است و هیچ عیبی در آن مشاهده نمی‌شود. تلفظ قدیمی واژه «سَخُن» در بیت قابل ملاحظه است. شاهد

## محمد آقاجانیپور

سرگروه دبیران زبان و ادبیات فارسی و مدرس ادبیات دانشگاه محمودآباد

قاعده ۱ و ۲ اصول قاعده رعایت نشود. برای مثال، عیب اقوا آن است که اختلاف در حرکت حذو و توجیه وجود داشته باشد؛ مثلاً اگر واژه «پُر با تر» هم قافیه گردد، عیب اقوا رخ داده است. زیرا در قاعده دوم می‌بایست مصوت‌ها و صامت‌ها یکسان باشند. بنابراین، به حرف قبل از این مصوت و صامت‌ها کاری نداریم؛ چون قاعده قافیه را رعایت کرده‌ایم. واژه‌های «پُر با تر» در مصوت با هم تفاوت دارند.

همچنین، اگر واژه «شکفت» را با «گرفت» هم قافیه کنیم، عیب اقوا رخ می‌دهد؛ زیرا قافیه‌ها به «فت و -فت» ختم شده‌اند و مصوت‌های آن‌ها با هم تفاوت دارد.

در مثال هفتم که نویسنده محترم برای عیب اقوا مطرح کرده‌اند، واژه‌های «کجا، وفا، هوا، و چرا» هم قافیه‌اند (که برابر با قاعده ۱ است) و به مصوت بلند «ا» ختم شده‌اند. حروف قبل اصلاً مهم نیستند و بنابراین، هیچ ایرادی در قافیه‌ها وجود ندارد. ای صبحدم ببین که کجا می‌فرستمت  
نزدیک آفتاب وفا می‌فرستمت  
دست هوا به رشته جان بر گره زده است  
نزد گره‌گشای هوا می‌فرستمت  
جان یک نفس درنگ ندارد شتاب کن  
ورنه بدین شتاب چرا می‌فرستمت  
مثال نهم نیز اشتباه است؛ زیرا «فشار» و «فشار» به «ار» ختم می‌شوند و جزء قاعده دوم‌اند.  
این چه ژاژ است و چه کفر است و فشار  
پنبه‌ای اندر دهان خود فشار  
در مثال دهم نیز عیب اقوا دیده نمی‌شود؛ زیرا بنابر تبصره ۳، اگر در قاعده دوم اختلاف در مصوت‌ها وجود داشته باشد «به این شرط که حروف الحاقی بپذیرند» اختلاف مصوت‌ها اشکالی ندارد.

کنونت که امکان گفتار هست  
بگوی ای برادر به لطف و خوشی  
که فردا چو پیک اجل در رسد  
به حکم ضرورت زبان در کشی  
واژه‌های «خوشی و در کشی» هم قافیه‌اند و «ش» و «ش» هم قافیه نمی‌شوند ولی چون حرف الحاقی «ی» پذیرفته‌اند، اشکالی در قافیه دیده نمی‌شود.

نویسنده محترم در مورد عیب اکفا نوشته‌اند که در کتب ادبیات فارسی دوره دبیرستان موردی از این عیب یافت نشد؛ در حالی که در ادبیات فارسی (۱) دوره پیش‌دانشگاهی علوم انسانی درس سیزدهم نقد ادبی ص ۱۱۳ که راجع به مولاناست، بیت زیر ذکر شده است که عیب اکفا دارد:

چینیان و رومیان بحث آمدند

رومیان از بحث در مکث آمدند  
برای عیب سناد نیز مثال‌هایی مطرح کرده‌اند که هیچ کدام صحیح نیست:

مثال اول:  
هم حرکاتش متناسب به هم  
هم خطواتش متقارب به هم  
حرف قافیه «ب» و قاعده دوم است.  
مثال دوم:  
نکوهش مکن چرخ نیلوفری را  
برون کن ز سر باد خیره‌سری را  
حروف قافیه «ر + ی الحاقی» و جزء قاعده دوم است.  
منظور از قاعده دوم قافیه است که نویسنده در سراسر مقاله‌اش به آن استناد نموده است.  
مثال سوم:  
آنچه ایشان را در این ره رخ نمود  
کی تواند شرح آن پاسخ نمود  
حروف قافیه «خ» و قاعده دوم است.  
نکته بعدی، ذوقافیتین است. در این مورد هم مثال به اشتباه ذکر شده است:  
هر کسی را سیرتی بنهادهم  
هر کسی را اصطلاحی داده‌ام  
ذکر این نکته لازم است که ذوقافیتین در اصل آن است که اگر قافیه اصلی را کنار بگذاریم، معنی بیت کامل باشد.  
گزید از غنیمت طرایف بسی  
کز آن سان نباشد طرایف کسی  
اگر واژه‌های قافیه اصلی یعنی «بسی» و «کسی» را کنار بگذاریم، باز هم بیت معنای کاملی دارد.  
نکته بعدی بحث «تکرار قافیه» است. نویسنده محترم گفته است که قدما تکرار را در غزل یک بار جایز نمی‌دانستند. ایشان برای این مورد هم مثال‌هایی ذکر کرده‌اند. البته کاش شماره ابیات را نیز ذکر می‌کردند و مشخص می‌کردند که آیا این ابیات عیب تکرار قافیه را دارند یا خیر.

در مثال‌های ایشان در مواردی دیده می‌شود که شاعر قافیه مصرع اول را در مصرع چهارم تکرار کرده و صنعت «ردالقافیه» را شکل داده است که اشکالی هم ندارد. این ابیات عبارت‌اند از:

ب ۱: عشق شوری در نهاد ما نهاد  
جان ما در بوتۀ سودا نهاد  
ب ۲: گفت‌وگویی در زبان ما فکند  
جست‌وجویی در میان ما نهاد  
ب ۱: علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را  
که به ماسوا فکندی همه سایه هما را

نوقافیترین در  
اصل آن است  
که اگر قافیۀ  
اصلی را کنار  
بگذاریم، معنی  
بیت کامل باشد

ب ۲: دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین  
به علی شناختم من به خدا قسم خدا را  
ب ۱: شخصی به هزار غم گرفتارم  
در هر نفسی به جان رسد کارم  
ب ۲: بی زلت و بی گناه محبوسم  
بی علت و بی سبب گرفتارم  
ب ۱: پیش صاحب نظران ملک سلیمان باد است  
بلکه آن است سلیمان که ز ملک آزادست  
ب ۲: آنکه گویند که بر آب نهاده است جهان  
مشنوی خواجه که تا درنگری بر باد است  
ب ۱: ای صبحدم ببین به کجا می فرستمت  
نزدیک آفتاب وفا می فرستمت  
ب ۲: این سربه مهر نامه بدان مهربان رسان  
کس را خبر مکن که کجا می فرستمت  
سایر ابیاتی که ذکر کرده اند تکرار قافیه در ابیات اول با ابیات  
غیر دوم است. فقط شعری را یادآور شده اند که واژه «ماست»  
در آن تکرار شده است:  
ب ۲: بر راستی بال نظر کرد و چنین گفت  
امروز همه روی زمین زیر پر ماست  
ب ۱۰: زی تیر نگه کرد و پر خویش بر او دید  
گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست  
اماد همین شعر، بیتی دیگر وجود دارد که باز هم واژه  
«ماست» در آن تکرار شده است و نویسنده محترم آن را ذکر  
نکرده اند. آن بیت چنین است:  
ب ۴: گر بر سر خاشاک یکی پشه بجنبند  
جنبیدن آن پشه عیان در نظر ماست  
دو اشکال تاییبی نیز در مقاله دیده می شود که چنین است:  
۱. شعر «حدیث روضه نگویم گل بهشت نبویم...» صفحه ۹۷  
ادبیات فارسی (۲) است که به اشتباه (۷/۲) تایپ شده است.  
۲. واژه «است» در مصرع بیت دوم حذف شده است که باید  
در بیت ذکر شود.  
هوای عشق مرا تازه در دل افتاده است  
نظر کنی که دریا به ساحل افتاده است  
میانه من و آن شوخ تا چه انجامد  
من آتشین دل و او آهنین دل افتاده است]

#### منابع

۱. ادبیات فارسی (۱) (قافیه و عروض - نقد ادبی) تقی وحیدیان کامیار و همکاران، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتابهای درسی، چ دهم، ۱۳۸۳
۲. داودی، حسین و همکاران؛ ادبیات فارسی ۲، ۵، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتابهای درسی، ۱۳۸۱.
۳. احمدی، احمد و دیگران؛ ادبیات فارسی (۳)، به استثنای رشته ادبیات و علوم انسانی، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتابهای درسی، ۱۳۸۰.
۴. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، بر اساس چاپ مسکو، نشر قطره، ۱۳۷۷.



### هفتمین گردهمایی بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی در خردادماه سال ۱۳۹۱ در دانشگاه علامه طباطبائی تهران برگزار خواهد شد

ششمین همایش این انجمن ۱۸ الی ۲۰ خردادماه ۱۳۹۰ در  
دانشگاه مازندران برگزار گردید. در این همایش که میزبان آن،  
دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران بود، دکتر  
احمد احمدپور، سرپرست این دانشگاه طی سخنانی گفت:  
همان گونه که شعر و ادب در ایران جزء برترین شعر و ادب  
ملل متمدن و پرپیشینه جهان است، شایسته این همایش و  
شرکت کنندگان فرهیخته آن است تا بتوانند برای نقد و تحلیل  
آثار ادبی، به خلق و ارائه نظریات نو دست یابند تا شعر و ادب و  
زبان فارسی بتواند چونان گذشته زایا و خلاق زیست کند و از  
گزند باد و باران حوادث در امان بماند.

او افزود: مرزهای فرهنگی میان ملل شناور شده است و  
ارتباطات فرهنگی، هنری و ادبی با توجه به فناوریهای نوین  
رسانه‌ای، دیگر پا از حد و مرزها فراتر نهاده است. در فضای  
جهانی شدن، مردم بیش از هر دوره، تشنه هنر و ادب ناب  
هستند و بخش اعظمی از اندیشه‌های ناب انسانی در آثار  
فردوسی، سنایی، خیام، نظامی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ  
و صائب موج می زند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی  
خطاب به شرکت کنندگان این همایش گفت: زبان فارسی  
میراث مشترک اندیشه‌ورزی بخش وسیعی از ملل مشرق زمین  
در طی هزاره‌هاست و تاریخ ملت‌ها محسوب می شود. این زبان